

مکتی بر «از خاطرات عبدالرحمن پژواک سیاستدار نخبه...»

محترمه « پروین پژواک » مطلبی را تحت عنوان: « از خاطرات عبدالرحمن پژواک سیاستدار نخبه افغانستان پیرامون خط دیورند»، بتاريخ ۲۰۱۲/۱۱/۱۷ در « پورتال افغان جرمن آنلاین » به دست نشر سپرده اند. با کمال احترام بیحدی که به شخصیت عالی و فراموش ناشدنی، مرحوم عبدالرحمن « پژواک » دارم و بتاريخ ۲۰۱۲/۰۸/۳۰، بیاد آن مرد بزرگ وطن، مقاله ایرا تحت عنوان: « **یادی از سفیر ممتاز، مرحوم عبدالرحمن پژواک!** »، در همین « پورتال » بدست نشر سپردم. خوانندگان محترم، هر گاه بخواهند، می توانند، با استفاده از «لینک» آتی مطلب را مطالعه نمایند.

http://www.afghan-erman.net/upload/Tahlilha_PDF/a_yusufi_yade_az_a_r_pajwak.pdf

قابل تذکر می دانم، که شخصیت های با استعداد و « نخبه »، ای چون مرحوم عبد الرحمن پژواک، بیشتر از اینجانب قادر بوده اند، تا پدیده های زنده و بخصوص حالات سیاسی – اجتماعی را همیشه در حالت تغییر و تحول ببینند، که علاوه بر وقوع حوادث منفی، یا بهتر بگوئیم، فاجعه آمیز، انکشافات « تکاملی » و « تغییرکیفی » که بوقوع می پیوندد نیز دقیق مشاهده نموده و ارزیابی کنند. تفصیل درین « مطلب »، هدف اینجانب نیست. آنچه قابل توجه می دانم اینست، که در هر مرحله، موقف و برداشت هر انسان، علاوه از آنکه در تابعیت زمان و مکان، با عوامل ممکن دخیل در پدیده های مورد نظر فرق داشته می تواند، نظر شخصی انسان، ولو انسان در هر مقامی که قرار داشته باشد، با موضعگیری رسمی همان فرد، متفاوت می باشد. محترمه پروین پژواک نوشته اش را به این جمله و با این انگیزه آغاز می نماید: « در این روزها که بحث پشتونستان در افغانستان داغ است خواستم بخشی از یادداشت های استاد پژواک را در مورد احیای دعوی حقاۃ استرداد خاک های افغانستان که برتانیه آن را سلب کرده بود، برای دوستان به نشر برسانم. . »

ایشان در تحت یادداشت های « تحریری » آن « مرحوم »، مطالب و تصورات زیادی را جای داده اند، که البته قابل تبصره نمی دانم. هر موقف و برداشت شخصیت های مسئول و « نخبه » وطن ما را باید، در هر مقطع زمانی در نظر بگیریم. از جانب دیگر بعد از درگذشت آنها، نباید چنان « انتباهی » بجای گذاشته شود، که گویا « نظر » و یا « برداشت » از وضعیت معین برای همیشه یکسان خواهد بود. من یقین دارم که اگر آن مرحوم امروز در قید حیات و سلامتی جسمی و روحی کامل در میان ما می بودند، حتماً می گفتند، که نتیجه گیری ایشان درجه زمانی صورت گرفته است و به چه دلیل فرق آنرا از موقف رسمی، افاده می نموده اند. آنچه باید بگویم اینست که اینجانب به موضوع « اکثریت » و « اقلیت » در هیچ جامعه، تحلیل خود را نمی سنجم، زیرا « منشاء » نژادی یا « DNA » انسانها را تغییر داده نمی توانم. اما چیزیکه قابل تغییر است و باید هم در راه آن عمل کرد، بالا بردن سطح تعلیمی عامه، رشد لازم علم و تخنیک و سود آور نمودن « سیستم اقتصادی – فرهنگی »، در یک نظام « متمدن » حقوقی – سیاسی و غیره شمرده می شود تا همبستگی ملی را تقویت ببخشد.

شخصیت مرحوم عبدالرحمن پژواک در جریان انجام وظایف علاوه از آنکه در سطح ملی و بین المللی معرفت روز افزون می یافت، بدون شک که بر ذخایر آموزش های ایشان نیز افزود می گردید. قبل از آنکه روی « اندیشه مشخص » ایشان در مورد « جهات حقوقی » قلمرو های جدا شده توسط استعمار از پیکر افغانستان، تماس بگیریم، باید مختصراً به گذشته تاریخی، حوادث کشور، منطقه و جهان مرور کنیم. درست است که در زمان قبل از استعمار « برتانیه » درین منطقه، دولت افغانستان صاحب نقشه تاریخی دیگری بوده است، که به تدریج قطعات سرزمین ها از « پیکر » آن، در مراحل تاریخی مختلف، قطع شده است. در اینجا بار دیگر تأکید می ورزم که میان احساس و اعتقاد شخصی و « رسمی » یا « وظیفوی » باید فرق را دید.

آنچه توجه مردم ما را بیشتر به خود جلب نموده است، موضوع « خط دیورند » است، که یک خط بین مناطق مسکون عمدتاً « پشتون » و « بلوچ » نشین کشیده شده است. از دید دول این مناطق از افغانستان، « جبراً » جدا ساخته شد. در این مورد مقالات دیگر اینجانب را هم می توان مطالعه کرد. در جریان ختم « جنگ سوم افغان و انگلیس »، علاوه ازینکه جانب افغانی، همان مناطق را جز « خاک » خود می دانستند، بعد از استرداد « استقلال »، باز هم، « خط دیورند » و بر خورد، « هند برتانوی » در رابطه با آن، بلا تغییر باقی ماند.

دپاتو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي ښي پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

بعد از جنگ دوم جهانی، با تأسیس « سازمان ملل متحد » در مناسبات بین المللی، پدیده ها و تعاریف جدیدی به وجود آمد. در همان آغاز تشکیل پاکستان، دولت پادشاهی افغانستان، از طریق معمول، یعنی سیاسی و «دیپلماتیک» موضع گیری افغانستان را متفاوت از سالهای اول استقلال، اینبار در چوکات، روح « منشور » سازمان ملل متحد مطرح نموده است.

مرحوم عبدالرحمن پژواک در جریان خدمات ایشان، به حیث سفیر و نماینده خاص دولت پادشاهی افغانستان در سازمان ملل متحد، زمانی علاوه بر مقام ریاست « اسامبله عمومی » توانستند در ارتباط به « حقوق ملت ها » نظرات ارزشمندی را، شامل فیصله های سازمان ملل متحد سازند. در آنزمان نقش و حقوق مردم مسکون در یک منطقه ارزش مقدماتی داشته است، بنابر همین اصول بوده است، که دولت شاهی افغانستان، جناب عبدالرحمن پژواک را به خاطر حمایت از حق خود ارادیت به حیث سفیر و نماینده خاص کشور در سازمان ملل متحد اعزام داشته، که نقش افتخار آمیز خود را ثابت ساخته اند. به یقین که در مراجع رسمی، از موضع گیری « الحاق » سر زمین ها و یا، «ادغام دوباره» به خاک افغانستان، سخن نمی گفته اند. اما اگر تعریف شخصی خود را داشته بوده باشند، چیزی گفته نمی توانم.

برای مزید معلومات و بخاطر تسهیل در دسترسی، « لینک » های ذیل را که اینجانب در رابطه با « خط دیورند » به دست نشر سپرده ام، در اختیار خوانندگان قرار می دهم:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yosufi_ma_didare_rasmi_sardar_daoudkhan_01.pdf

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yosufi_ma_didare_rasmi_sardar_daoudkhan_02.pdf

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/a_yusufi_pashtunistan.pdf

با مطالعه متون قانع خواهند شد، که میان برداشت شخص سردار محمد داوود خان شهید، در رابطه با قلمرو های از دست رفته افغانستان و جهات « حقوقی » آن، با مرحوم عبدالرحمن پژواک بر مبنای اصول فرقی نداشته است. هر دو شخصیت از جهات سیاسی و موقف، در مواضع مختلف قرار داشته اند. در « لینک » های فوق می خوانید، که مرحوم عبدالرحمن پژواک، شامل عضویت هیئت رسمی تحت ریاست سردار محمد داوود خان، صدراعظم دولت پادشاهی افغانستان، به انگلستان بوده اند. در کنفرانس مطبوعاتی، در برابر نمایندگان مطبوعات جهان، درجایی صدراعظم سردار محمد داوود خان، چنین گفته ند:

« افغانستان به مذاکرات مبتنی بر نیات نیک معتقد است. برین دلیل است که همواره راه مذاکرات صلح آمیز را با پاکستان درین مسئله جست و جو نموده است. لیکن با تأسف تلاش های ما بی نتیجه مانده است، تا زمانیکه پاکستان امتناع ورزد، که واقعیت های تاریخی را برسمیت بشناسد، هیچگونه امید رسیدن به تفاهم متصور نمی باشد. در تحت شرایط موجود کنونی، حکومت پاکستان تکلیف را بخود روا نمی دارد، که به اصل ماهیت مسئله پشتونستان پی ببرد. من می خواهم موقف ما را روشن سازم، به نسبت اینکه در مورد، به طرف مقابل، بطور مبالغه آمیز، توجه مطبوعات جلب گردیده است.

از دید تاریخی، پاکستان یک ساحة خاکی است که از افغانستان در دوران تسلط استعمار برتانوی جدا ساخته شده است. حکومت پاکستان مدعی است، که پشتون ها با حاکمیت آنها راضی هستند. در صورتیکه این امر درست باشد، پس باید به مردم پشتون امکان داده شود، تا خواسته های خود را آزادانه بر زبان آرند. این نه با عدالت و نه با تعاملات بین المللی مغایر بوده می تواند.»

« برای افغانستان این موضوع مهم نیست، که چه شکل اظهار نظر آزاد انتخاب می گردد. برای ما هر نوعی که برای مردم پشتون اجازه داده شود، که آزاد بیان نمایند، بشمول همه پرسى، قابل قبول می باشد.»

پایان